

علل تثبیت فرهنگ تشیع در ایران



دکتر هادی رستگار مقدم

درمیان نخستین ساکنان عرب قم(یعنی همان اشعری ها که کم کم به قمی شهرت یافتند)، افراد زیادی به‌عنوان صحابی ائمه^(ع) در کتب رجالی شیعه، شناسانده شده‌اند. به‌طور کلی شاهد مهم بر پیوند مردمان این شهر با امامان، روایات بی‌شماری است که در فضیلت قم واهالی آن در کتب حدیث، نقل شده است. این روایات به اندازه‌ای است که می‌تواند به‌راحتی اهمیت این شهر را در نگاه امامان نشان دهد. در چندین روایت، امام صادق^(ع) قم را ملجأ و پناهگاه شیعیان شمرده‌اند.

باتوجه به دوری قم از مرکز خلافت و نیز رواج تشیع در آن، این شهر می‌توانسته است پناهگاهی برای شیعیان باشد. در روایت دیگری از امام صادق^(ع) آمده است: «قم بلدنا و بلد شیعتنا، قم شهر ما و شهر شیعیان ماست»، در روایتی دیگر آمده است: «و ان لنا حرما و هو بلدة قم، برای ما حرم و حریمی وجود دارد که آن شهر قم است»، و باز آمده است: «اهل قم، انصارنا، اهالی قم یاران ما هستند»، همچنین از شیعیان خواسته شده است که دربارہ موقع شیوع فتنه‌های بنی عباس به کوفه و نیز به قم و حوالی آن بروند، زیرا «فی قم شیعتنا و موالینا، در قم، شیعیان ما و دوستاندار ما هستند». در روایت دیگری، قم «کوفه صغیره، یعنی کوفه کوچک، نامیده شده است.

با این‌همه اگرچه شهر قم، قبل نزول اجلال حضرت فاطمه‌معصومه^(س) دارای عظمت و محل توجه بوده است، حضور آن حضرت در قم و نیز احادیثی که درباره فضیلت قم از ائمه‌اطهار^(ع) روایت شده است، موجب شد فرهنگ تشیع ایرانیان از این شهر، باعظمت ظهور و رشد و توسعه پیدا کند؛ زیرا پس از آنکه وفات حضرت معصومه^(س) براساس نوشته کتاب تاریخ قم، در سال ۲۰۱ هجری رخ می‌دهد و شهادت حضرت رضا^(ع) دو سال بعد از آن به وقوع می‌پیوندد، روایاتی در فضیلت زیارت آن بانوی مکرم صادر می‌شود. به‌طوری که علامه مجلسی از بعضی کتب زیارات به طریقی از علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) روایت می‌کند که فرمودند: «ای سعد! ما در شهر قم قبری داریم». سعد پرسید: «آیا مقصود قبر فاطمه‌بنت‌موسی است؟ حضرت فرمودند: «آری، هر شخصی با شناختن حق او، وی را زیارت کند، بهشت بر او واجب است». سپس زیارت‌نامه‌ای از قول آن حضرت برای فاطمه‌معصومه^(س) ذکر کرده است، البته این روایت دلیلی است بر اینکه حضرت معصومه^(س) قبل از حضرت رضا^(ع) رحلت کرده‌اند.

و نیز معلوم می‌شود که چون علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) خود نمی‌توانسته‌اند برای زیارت قبر خواهر به قم بیایند، از قمی‌هایی که به خدمتشان می‌رسیدند، جویای قبر ایشان می‌شده و برای شناختن قدر و حشاش، سفارش می‌فرموده‌اند. اما شیخ عبدالجلیل زازی، روایت مزبور را به این نحو نقل کرده است که: «سعدبن سعد از علی‌بن موسی‌الرضا^(ع) روایت کرده است که امام فرمودند: ای سعد! ما درمیان شما مردم قم قبری داریم. گفتم: فدای توشوم، قبر فاطمه، دختر موسی‌بن جعفر^(ع) در شهر ماست. ایشان فرمودند: ای سعد! هرکه او را زیارت کند، بهشت نصیب او خواهد بود». تأثیری که مدفون شدن حضرت فاطمه معصومه^(س) بر وضع قم گذاشت، آن است که به‌دلیل موقعیت ممتاز فاطمه‌معصومه^(س) درمیان دیگر امام‌زادگان، مدفون شدن ایشان در قم به‌کلی وضع این شهر را از نظر جغرافیایی و فرهنگی تغییر داد. نخست اینکه شهر قم به‌تدریج از شمال شرقی به جنوب‌غربی که محل دفن آن حضرت بود، کشیده شد، به‌طوری که حرم فاطمه‌معصومه^(س) در فاصله‌ای از شهر و در حاشیه آن قرار داشت. امروز در مرکز شهر و در آبادترین قسمت آن واقع است. دیگر اینکه توجه پادشاهان و امرا و طبقات گوناگون مردم به این شهر معطوف شد و بسیاری از افراد اطراف برای اقامت در آن شهر و در جوار قبر آن بانوی مکرم کوچ کردند. یکی دیگر از امور تأثیرگذار بر موقعیت و وضع قم باتوجه‌به روایات متعدد، برای فضیلت این شهر و اهل آن وارد شده است و وجود چنین روایاتی، دلیلی بر رضایت ائمه‌معصوم^(ع) از این شهر و اهل آن است. برپایه این اقبال و توجه، بسیاری از بزرگان و دانشمندان حوزه دین بدان جا روی آوردند و در این هنگام، قم دارای جنبه مذهبی مخصوص شد، به‌طوری که مرکز روحانیت شیعه قرار گرفت و عده‌ای از بزرگ‌ترین علمای شیعه از آنجا برخاستند یا در آن اقامت کردند.

تأثیر دیگر این است که مسافرت ده‌ها هزار نفر و امروز میلیون‌ها نفر که هر سال از نواحی مختلف ایران و کشورهای دیگر به قم مشرف می‌شوند، موجب شده است این شهر در زمره شهرهای زیارتی جهان اسلام شناخته شود و درعین حال از نظر نوع معماری و شهرسازی مذهبی و دیگر آثار باقی‌مانده از گذشته و مساجد و مراقد و مزار علمای بزرگ، به یک شهر سیاحتی و گردشگری تبدیل شده است که همواره جمعی از جهانگردان و گردشگران به آن آمدوشد می‌کنند.

حکم تهمت زدن به دیگران

در این ستون به پرسش‌های شما در باره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می توانید پرسش های خود را به شماره پیامک ۰۰۷۲۸۹۳۰۰ با ما در میان بگذارید.

- افترا و تهمت زدن به دیگران درصورت ثابت نشدن، چه حکمی دارد و وظیفه فردی که تهمت زده است، چیست؟
- پاسخ اجمالی

۱. در دین مبین اسلام توصیه شده است که مؤمنان نباید خود را در موقعیتی قرار دهند که مشمول ظن و بدگمانی شوند، با این حال ممکن است یک فرد به‌دلیل موقعیت اجتماعی، مالی یا شغلی خاصی که دارد، هر چند انسان پاکی باشد، مشمول بدگمانی یا حسادت دیگران قرار بگیرد و متهم به‌کاری شود که انجام نداده است و هدف آزار و اذیت دیگران واقع شود. خداوند می‌فرماید: «خذ العفو و أمر بالعرف و اعرض عن الجاهلین»؛ با آن‌ها مدارا کن و عفو و گذشت را شیوه خود قرار ده و آن‌ها را به نیکی دعوت کن و از جاهلان روی برگردان و با آن‌ها ستیزه مکن». (اعراف، ۱۹۹). فردی که دچار این تهمت‌ها شده است، باید بداند که وظیفه او راضی نگه‌داشتن خداست نه دیگران، وی باید بر خدا توکل کند و چشم امید به رحمت و پاداش‌های بزرگ او داشته باشد.

۲. اما کسانی که بدون دلیل به دیگران بدگمان می‌شوند و به مؤمنان تهمت می‌زنند، باید بدانند که دچار گناه بزرگی شده‌اند و باید به‌سرعت از گناه خود توبه کنند و از کسی که به او تهمت زده‌اند، حلالیت بطلبند. خداوند در قرآن کریم درباره بدگمانی چنین فرموده است: «إِنَّ نَعْفَیَ الظَّنِّ إِثْمٌ، برخی بدگمانی‌ها گناه محسوب می‌شود». (حجرات، ۱۲). در روایات نیز، موضع سختی در مقابل این کار زشت گرفته شده است. امام صادق^(ع) می‌فرمایند: «هر شخصی به برادر مؤمنش تهمت بزند، همان گونه که نمک در آب حل می‌شود، ایمان در قلب او از بین خواهد رفت».

آیت...العظمی‌خامنه‌ای

تهمت از گناهان بزرگ است و توبه جدی و واقعی از آن لازم است و باید گفته‌های خود را نزد هر فردی که رسانده است، تکذیب کند و رضایت کسی را که به او تهمت زده است، به‌دست آورد.

آیت...العظمی سیستمانی

در حرام بودن تهمت، فرقی نیست بین اینکه تهمت را بگوید یا بنویسد یا به اشاره بفهماند. آن را با زبان یا قلم به مخاطب ارائه دهد یا با وسایلی نظیر تلفن همراه، رایانه و شبکه‌های اجتماعی و مانند آن. همچنان که فرق ندارد این نسبت ناروا و خلاف واقع، در حضور او باشد یا در غیابش. با علم و آگاهی از دروغ بودن آن صورت‌گیرد یا از روی حدس و گمان باشد. فردی که مرتکب تهمت شده است، باید از گناه خود توبه کند و احتیاط مستحب است چنانچه حلالیت طلبیدن از شخص مورد اتهام پیامدهای بدی ندارد. این کار را انجام دهد، بلکه در مواردی که تهمت، توهین و هتک حرمتی را نسبت به آن شخص دربر داشته، اگر حلالیت خواستن از او عرفاً جبران هتک حرمت و توهین به وی محسوب شود. بنابر احتیاط، لازم است درصورتی که مفسده‌ای نداشته باشد، از وی حلالیت بطلبد.

آیت...العظمی مکارم‌شیرازی

تهمت زدن به هیچ شخصی جایز نیست و اگر کافر حربی نباشد، باید از او حلالیت بگیرد.



ما برای تربیت نسل صالح مسئولیم

آئمه مستقیمی! بسیاری از مشکلاتی که انسان‌ها در بزرگ‌سالی از آن رنج می‌برند، به‌ویژه در حوزه کمبود یا نداشتن عزت‌نفس، اعتمادبه‌نفس و امثال آن، به شیوه‌های اشتباه تربیت در کودکی بازمی‌گردد که عواقب زبان‌بار آن گاه تا پایان عمر ادامه دارد. درحالی‌که اسلام نسخه‌ای مؤثر، مانا و بدون تاریخ‌انقضا در این زمینه دارد که درباره برخی ابعاد آن با حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدمهدی عباسی آغوی، عضو هیئت‌رئیس انجمن روان‌شناسی اسلامی و استاد درس خارج حوزه علمیه، گفت‌وگو کرده‌ایم و مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

فرزندان صالح

فرزندپروری در اسلام از موضوعاتی است که به آن توجه ویژه شده است؛ خانواده در نگاه قرآن و منابع دینی دو کارکرد دارد؛ نخست آرامش همسران، چنان که خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً. اگر این کارکرد به‌خوبی محقق شود، کارکرد دوم خانواده یعنی تربیت نسل صالح نیز رخ می‌نماید و در جامعه آثار مطلوب برجای خواهد گذاشت.

اسلام با وجود آنکه به موضوع فرزندآوری توجه داده و توصیه کرده است، فرزندآوری به هر قیمتی را تأیید نمی‌کند؛ یعنی اگرچه داشتن فرزندان متعدد از توصیه‌های اکید اسلام است، معتقد است که این کمیت تربیتی باید همراه کیفیت باشد. به‌عبارت دیگر، در اسلام کثرت کوثری ملاک است نه کثرت تکاثری؛ یعنی آوردن فرزندان که سبب خیر شوند نه سبب مفسده و ضرر. لذا در روایات می‌بینیم که تربیت دینی به‌کیفیت فرزندآوری کمک می‌کند.

نعمت‌های خداوند

نقل است وقتی حضرت یوسف^(ع) برادرش بنیامین را بعد از سال‌ها دوری و با لطافت الحیلی نزد خود نگه داشت، در گفت‌وگویی برادرانه از او پرسید: آیا ازدواج کرده‌ای و فرزندانی داری؟ بنیامین پاسخ داد: بله. حضرت یوسف^(ع) پرسید: با ابتلائات پدر و نبود من، چگونه به این امر نائل شدی؟ بنیامین پاسخ داد: هم امر پدر بود و هم می‌خواستم زمین را با آن‌ها که قول «لا اله الا...» می‌گویند، سنگین کنم؛ این یعنی دادن ارزش افزوده به زمین در قالب کسانی که خدانشناس هستند و تربیت توحیدی دیده‌اند. سیره اهل بیت^(ع) و شیوه رفتار آنان با فرزندانشان، نشان می‌دهد که محبت باید هدفمند و در مسیر محبت خدا باشد. این موضوع، نشان از اهمیت تربیت دینی در اسلام دارد؛ یعنی باید پدر و مادرانی باشند که باورهای صحیح و همسو با آن رفتارهای درست دینی داشته باشند. اهمیت موضوع، زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم پژوهش‌های مختلف نشان داده است تربیت دینی، آرامش بیشتری را برای انسان به ارمغان می‌آورد.

خودسازی والدین

چون کوثر نماد حضرت زهرا^(س) مضیه^(س) است، می‌توان از ایشان در همه امور به‌ویژه فرزندآوری الگو گرفت. خداوند در سوره مبارک الرحمن می‌فرماید که دو دریا یعنی وجود مقدس امیرالمؤمنین^(ع) و حضرت زهرا^(س) به‌هم پیوستند: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ، و از دل این دریا، مرواریدهایی همچون امام‌حسن^(ع) و امام‌حسین^(ع) متولد شدند: «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ». تربیت کوثری فرزند بر اصولی همچون اصل محبت، اصل احترام، حفظ استقلال، کشف استعدادها، تربیت دینی و آموزش مباحث دینی و... مبتنی است که در کنار عامل بودن به آموزه‌های دینی به پرورش نسل طاهر و اثرگذار نیز کمک می‌کند؛ البته پیش‌درآمد این تربیت، خودسازی پدر و مادر است. بنا بر روایت، بهتر است مردم را به غیر از زبان خود به امور نیک دعوت کنیم. این نکته در رابطه بین والدین و فرزندان نیز صادق است و اگر پدر و مادر، متعهد و عامل به میانی و تربیت دینی باشند، فرزندان نیز چنین خواهند شد؛ چون بچه‌ها نماد و نمود ما هستند.



حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر عباسی آغوی: خانواده در تربیت فرزند نقش محوری دارد. اگر می‌خواهیم جامعه سالمی داشته باشیم، باید خانواده‌ای سالم داشته باشیم

در این میان، این سؤال مطرح است که آیا در تربیت دینی بین فرزندان دختر و پسر تفاوت جنسیتی وجود دارد؟ بی‌شک در تربیت هر دو، اصول مشترکی همچون اصل محبت، اصل احترام و اصل دختر و پسر نیز اهمیت می‌دهد. باید توجه کرد اسلام در شرایطی ظهور کرد که اعراب جاهلی، دختران خود را زنده‌به‌گور می‌کردند و برای دختر و زن، شأنی قائل نبودند. آن‌ها بین دختر و پسر تفاوت می‌گذاشتند و در حق فرزند دختر محبت نمی‌کردند. در چنین اوضاعی حضرت رسول^(ص) پر دستان دخترشان، حضرت زهرا^(س)، بوسه زدند و فرمودند: «فداها أبوها»، پیامبر^(ص) علاوه‌بر تأکید بر تکریم و احترام دختران، بر توجه به لطافت روحی آنان نیز توصیه و تأکید می‌کردند که در بدل محبت به فرزندان، دختران را در اولویت قرار دهید.

تفاوت جنسیتی فرزندان، نباید بر حس میل و رغبت ما به آن‌ها تأثیر بگذارد. بارها در مشاوره با افرادی مواجه شده‌ام که از عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس اندک به‌دلیل

تفاوت جنسیتی در تربیت

همین تبعیض هارنج می‌برند. در روایات تأکید شده است که بین فرزندان خود محبت را تقسیم کنید. دقت در پدید نیآوردن حسادت و حساسیت دربین فرزندان، موضوعی مهم در فرزندپروری است، حتی اگر قرار است تفاوتی باشد، باید به‌نفع فرزند دختر باشد که لطافت و حساسیت بیشتری دارد.

یکی از نظریات معروف در سبک‌های تربیت فرزند و فرزندپروری، نظریه دکتر دیانا بامریند است که تربیت را براساس دو محور محبت و مسئولیت و نظارت، به چهار سبک تقسیم می‌کند؛ نخست سبک مقتدرانه که در آن محبت و مسئولیت‌خواهی هر دو در ترازى بالا قرار دارد، اگر محبت اندک و مسئولیت‌خواهی زیاد باشد، سبک تربیت سختگیرانه است. در محبت زیاد و مسئولیت‌خواهی اندک، سبک تربیت سهل‌گیرانه است و در نهایت اگر هم محبت و هم مسئولیت‌خواهی اندک باشد، سبک تربیت، رهاشونده است. بهترین سبک تربیتی در بین چهار سبک یادشده، تربیت مقتدرانه است.

مسئولیت پذیری

در آموزه‌های دینی و روایات متعدد، فرایند تربیت فرزند به سه دوره هفت‌ساله تقسیم می‌شود که اسلام به هر چهار سبک فرزندپروری در آن‌ها البته باتوجه‌به شرایط سنی فرزندان نظر دارد؛ چنان‌که در هفت سال نخست، محبت بر مسئولیت‌خواهی غلبه دارد. در هفت سال دوم، مسئولیت‌خواهی بر محبت غلبه دارد و در هفت‌ساله سوم این دو به تعادل می‌رسد و فرزند حکم وزیر و مشاور والدین را می‌یابد. در روایت است اگر این سه دوره را درست طی کنیم، فرزند باقی‌راه را به‌سلامت و باایمنی و بدون خطر طی می‌کند. در این میان محبت نباید به‌حدی باشد که از مسئولیت‌خواهی غفلت کنیم.

تربیت و آموزش

تلقی رهاشدگی محض در تربیت فرزند، اشتباه است. در سه سال اول، فرزند زیاد قانون‌پذیر نیست. اما نباید مطلقاً رها شود. اینکه فرزند را کلاً بدون قیدودندها کنیم و تابع خواسته‌های او باشیم، رویکرد روان‌شناسی به‌اصطلاح بازاری است. درحالی‌که اسلام، تربیت و آموزش را از ارکان مهم فرزندپروری حتی قبل از تولد می‌داند.

آمادگی پیش از فرزندآوری

در روایات به دو گروه، «ریحانه» یعنی گل زیبای لطیف اطلاق شده است؛ یکی خانم‌ها و دوم فرزندان. این یعنی باید همان‌طور که با گل رفتاری لطیف داریم، با فرزند و همسر هم رفتاری لطیف و از سر مهر داشته باشیم.

خانواده در تربیت فرزند نقش محوری دارد. اگر می‌خواهیم جامعه سالمی داشته باشیم، باید خانواده‌ای سالم داشته باشیم که به‌اعضای آن بازمی‌گردد و این موضوع نیازمند تربیت صحیح و تأمین سلامت روان برای فرزندان است.

پدر و مادر آغاز می‌شود، حتی در هنگام اقدام برای فرزندآوری باید افکار را کنترل کرد و آداب دینی را به‌جای آورد. علاوه‌بر این در دوران جنینی، عواملی همچون طهارت و انس مادر با قرآن و اهل‌بیت^(ع) بر سلامت‌روح و اخلاق فرزند تأثیر می‌گذارد.

شخصی نزد بزرگی رسید و از فرزند خود گلاجه کرد و راهکار خواست. آن بزرگ گفت: زمانی که قرار بود نطفه این فرزند بسته شود، باید می‌آمدی و راهکار می‌خواستی. تربیت فرزند از قبل ولادت و انعقاد نطفه و با نان حلال و نیت پاک